Journal of Research in Psychological Health

March 2018, Volume11, issue4

Differential Relationships of Attachment to Parents and Peers in Predicting Emotional Experiences of Shame and Guilt in Male and Female Adolescents

Samira Rostami* [1] Bahram Jowkar1

1. (Corresponding author). *PhD student, Psychology group, Faculty of Psychology and Education, Shiraz University*
2. *Psychology group, Faculty of Psychology and Education, Shiraz University*

Please cite to: Rostami S., Jowkar B. Differential Relationship of Attachment to Parents and Peers in Predicting Emotional Experiences of Shame and Guilt in Male and Female Adolescents. *Journal of Research in Psychological Health*, 2018, 11(4), 16-27 [Persian]

Highlights

- Attachment to parents and peers predicted a negative and significant shame feeling.
- Attachment to parents and peers was a positive and significant predictor of guilty feelings.
- In the group of girls, there was a positive and significant relationship between attachment to peers and shame

Abstract

Feelings of shame and guilt are the most important moral emotions that play an important role in the regulation of social and moral behaviors. Therefore, identifying the antecedent factors of these emotions is essential. Therefore, the present study investigated the relationship between the components of attachment and feelings of guilt and shame in a causal model. In this regard, the components of attachment to parents and peers were considered as independent variable and feelings of guilt and shame as dependent variable. Participants of the study included 398 (218 female and180 male) fourth year high school students of Shiraz city who were selected through multistage cluster sampling method. Inventory of Parent and Peer Attachment (Armsden and Greenberg) and Guilt and Shame Proneness Scale (Cohen et al) were used to measure the research variables. Factor analysis was used to determine the validity of the measurement tools and their reliability was examined by Choronbach alpha coefficient. Validity and reliability of the scales were acceptable. Results revealed that components of attachment (to parents and peers) predicted feeling of shame negatively and feeling of guilt positively. Moreover, results of diagram comparing boys and girls confirmed the moderating role of gender. Results showed that in the group of girls, in contrast to total results, attachment to peers predicted feeling of shame positively. Overall, findings provided a good evidence in support of the role of emotional relationships in the formation of moral and social emotions in children. Detailed explanation about the reason of such relationship is provided in the main body of the article.

Keywords: Attachment to parents, Attachment to peers, Feelings of guilt and shame

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2025-12-11]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.4.1.9]

[DOI: 10.52547/rph.11.4.16]

رابطهٔ افتراقی دلبستگی به والدین و همسالان در پیش‌بینی تجربهٔ هیجان‌های شرم و گناه در نوجوانان دختر و پسر

سمیرا رستمی [۱]، بهرام جوکار [۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

یافته‌های اصلی

- دلبستگی به والدین و همسالان به شکل منفی و معنی‌داری احساس شرم را پیش‌بینی کردند.
- دلبستگی به والدین و همسالان پیش‌بینی‌کنندهٔ مثبت و معنادار احساس گناه بودند.
- در گروه دختران بین دلبستگی به همسالان و احساس شرم رابطه مثبت و معنادار بود.

چکیده

احساسات شرم و گناه از مهم‌ترین هیجانات اخلاقی بوده و نقش مهمی در تنظیم رفتارهای اجتماعی و اخلاقی دارند؛ ازاین‌رو شناسایی عوامل پیش‌آیند این هیجانات ضروری می‌نماید. بدین منظور، پژوهش حاضر در قالب یک مدل علّی به بررسی رابطهٔ مؤلفه‌های دلبستگی و هیجانات شرم و گناه پرداخته است. در همین راستا، دلبستگی به والدین و همسالان، به‌عنوان متغیر مستقل و احساس شرم و گناه، به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند. شرکت‌کنندگان پژوهش شامل ۳۹۸ نفر (۲۱۸ دختر و ۱۸۰ پسر) از دانش‌آموزان سال چهارم متوسطهٔ شهر شیراز بودند، که به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی، انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، از پرسش‌نامهٔ دلبستگی به والدین و همسالان آرمسدن و گرینبرگ و مقیاس آمادگی احساس شرم و گناه کوهن و همکاران استفاده شد. روایی ابزارها به روش تحلیل عامل و پایایی آن‌ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ سنجیده شد. روایی و پایایی آزمون‌ها قابل‌قبول بود. نتایج پژوهش آشکار ساخت که مؤلفه‌های دلبستگی (والدین و همسالان) احساس شرم را به‌صورت منفی و احساس گناه را به‌صورت مثبت پیش‌بینی کردند. علاوه‌بر این، نتایج مقایسهٔ دیاگرام دختران و پسران مؤید نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت بود. نتایج روشن ساخت که در گروه دختران برخلاف یافته‌های مدل کلی، دلبستگی به همسالان پیش‌بین مثبت احساس شرم است. درمجموع، یافته‌ها شواهد مطلوبی در جهت تأیید نقش ارتباطات عاطفی در شکل‌گیری هیجانات اخلاقی‌اجتماعی در فرزندان فراهم کرد.

کلیدواژه‌ها: احساس شرم و گناه، دلبستگی به والدین، دلبستگی به همسالان

[۱] . (نویسنده مسئول). دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، فارس، ایران. S.rostamipsy@gmail.com

[۲] . استاد گروه روان‌شناسی، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، فارس، ایران.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2025-12-11]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.4.1.9]

[DOI: 10.52547/rph.11.4.16]

مقدمه

هیجانات یا احساس‌های آدمی ازجمله مهم‌ترین و درعین‌حال پیچیده‌ترین سازه‌های روان‌شناسی محسوب می‌گردند (۱). در تقسیم‌بندی هیجانات عوامل متعددی در نظر گرفته شده‌اند که عمده‌ترین آن‌ها بر عناصر خودآگاه در مقابل ناخودآگاه (ترس در برابر امید)، مثبت در برابر منفی بودن (غم در برابر شرم) و فردی یا اجتماعی بودن (ترس در برابر گناه) آن‌ها تأکید داشته‌اند. هیجانات خودآگاه اجتماعی‌اخلاقی کمتر از هیجانات ناخودآگاه فردی، موردتوجه بوده‌اند. در بین این هیجانات، احساس شرم و گناه به‌دلیل کارکردهای گسترده‌ای که در جوامع دارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. شرم و گناه، احساساتی اجتماعی هستند که نقشی حیاتی در ارتباطات و مناسبات اجتماعی دارند (۲)، با جبران کاستی‌هایی در روابط اجتماعی شخص، مانع بروز احساس تنهایی می‌شوند و محرکِ رفتار معطوف به هدف هستند (۳)؛ همچنین، این دو گونه احساس، در تعاملات اجتماعی فراخوانده می‌شوند و در خدمت کارکردهای اجتماعی هستند (۴) و مبتنی‌بر ارزیابی‌ها و قضاوت‌های دوسویه از خود و دیگران‌اند (۵)

به‌دلیل بلوغ شناختی بیشتر در نوجوانی، ارزیابی بیرونی رفتار، اغلب به‌سمت درونی شدن می‌رود. به‌واسطهٔ افزایش توانایی بازشناسی به‌عنوان کلیدی برای عملکرد سازگارانهٔ اجتماعی (۶) هیجانات جامعه‌پسند و مخصوصاً هیجانات اخلاقی منفی شرم و گناه، اهمیت زیادی برای نوجوانان داشته، دلبستگی‌شان را حفظ می‌کند و به‌عنوان یک تنظیم‌گر اجتماعی بوده که تعادلی میان علائق خود و نیازهای دیگران برقرار می‌کند (۷). افزایش تجربهٔ احساسات اخلاقی، مثل شرم و گناه در نوجوانی هم‌راستا با افزایش خودآگاهی و ظرفیت نگرانی در مورد عقاید دیگران بروز می‌یابد (۷). همچنین رشد فراشناخت و تفکر انتزاعی موجب پیچیدگی در دریافت احساس شرم و گناه می‌گردد (۸). بنابراین، تجربه و طبیعت احساسات خودآگاه به‌شدت وابسته به بلوغ شناختی است (۹).

شرم و گناه در چهار زمینهٔ متفاوت از هم عمل می‌کنند: ۱) ازنظر عملکرد در اجتماع: شرم مانع برقراری ارتباط صمیمی می‌شود، درحالی‌که گناه در این زمینه نقش سازگاری اجتماعی برای حفظ روابط را ایفا می‌کند. ۲) شرم به‌طور کامل بر خود تمرکز دارد و گناه بر رفتار. ۳) شرم در ارتباط با ایدئال‌ها بوده و گناه در ارتباط با ممنوعیت‌ها. ۴) شرم به‌سوی خود هدایت می‌شود و گناه به‌سوی دیگران (۱۰). گرچه شرم و گناه هر دو هیجاناتی دارای ارزش منفی و حاصل فرایند اسناد درونی هستند، امّا احساس شرم متضمن اسنادهای درونی، باثبات و کلی است، درحالی‌که احساس گناه متضمن اسنادهای درونی، بی‌ثبات (قابل‌تغییر) و خاص است (۱). همچنین نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد گرایش به نقش‌های جنسیتی زنانه با سطوح بالایی از گرایش به شرم و گناه در ارتباط است (۱۱).

بررسی و مقایسهٔ میانگین نمرهٔ دختران و پسران در مقیاس احساس گناه شامل بازشناسی اشتباه و پشیمانی، تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای را در عامل ندامت نشان نمی‌دهد. درحالی‌که دربارهٔ عامل بازشناسی اشتباه، نوجوانان دختر میانگین بالاتری نسبت به نوجوانان پسر نشان دادند. این یافته ممکن است به این دلیل باشد که دختران بیشتر اجتماعی بوده و همدلی بیشتری دارند (۱۲) که آن‌ها را قادر می‌سازد زمانی که خود را جای دیگران تصور می‌کنند مهارت بیشتری در فهم قوانین اجتماعی و توانایی بازشناسی اشتباهاتشان داشته باشند. درواقع با توجه به اینکه پژوهشگران شرم و گناه (برای مثال ۱؛ ۱۱) بر نقش جنسیت در این زمینه تأکید دارند و نشان داده‌اند دختران و پسران الگوهای متفاوتی را درزمینهٔ فراخوانی و شدت این دو هیجان تجربه می‌کنند، بر این اساس در این پژوهش نیز آزمون نقش تعدیلی جنسیت در روابط متغیرهای این پژوهش به فهم پیچیدگی روابط در این زمینه کمک می‌کند.پیش‌تر به این مطلب اشاره شد که شرم و گناه به‌عنوان هیجانات خودآگاه اجتماعی، ضمن اینکه مبتنی بر ارزیابی‌ها و قضاوت‌های دوسویه از خود و دیگران می‌باشند (۵)، همچنین در ارتباط با کیفیت درک ما از خود و دیگری قرار دارند (۱). در همین راستا (۱۳) به‌صورت ضمنی، به رابطه احساس شرم و دلبستگی در هنگام تشکیل مدل‌های کارکرد درونی خود اشاره نموده است. به این معنا که، کودکی که از سوی والدین طرد می‌شود، چنین می‌اندیشد که نه‌تنها از سوی والدین خواستنی نیست بلکه به‌طورکلی، هیچ‌کس او را نمی‌خواهد، امری که در تعریف شرم تأکید زیادی بر آن شده است.احساس شرم، ریشه در وابستگی به دیگری دارد و درواقع

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2025-12-11]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.4.1.9]
[DOI: 10.52547/rph.11.4.16]

طرد شدن از سوی دیگریِ مهم، زمینه‌ساز بروز احساس شرم است؛ زیرا، این موضوع به‌صورت امری کلی و غیرقابل‌کنترل درک می‌شود (۱۴)؛ بنابراین، شرم از زمان نوزادی، هنگام اختلال در روابط می‌تواند درک شود (۱۶،۱۵).

ریشهٔ آسیب‌شناسیِ احساس شرم ممکن است با تجربهٔ دلبستگی افراد در کودکی ارتباط داشته باشد و در واکنش به تجربهٔ اولین پاسخ به طرد یا جدایی از مراقبت‌کنندگان نشئت گرفته باشد (۱۷). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با نشانه‌های روان‌شناختی ناخوشایندی مانند، شرم، خشم و خودشیفتگی(۱۹،۱۸) ارتباط دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند مانند بسیاری از هیجان‌های منفی احساس شرم نیز ممکن است ناشی از سبک‌های ناایمن دلبستگی باشد (۲۱،۲۲و۲۳،۲۰).

ازاین‌رو، به‌نظر می‌رسد بررسی رابطه بین دلبستگی و احساسات خودآگاه اجتماعی شرم و گناه موردنظر پژوهشگران بوده است. نظریه دلبستگی اولین بار به‌واسطه مشاهدات بالبی مطرح شد. نظریه دلبستگی شامل دو بعد موازی و وابسته به هم است: ۱) بعد تعاملی یا رفتاری؛ که بر پایه نظریه کردارشناسی قرار دارد و به پیدایش و حفظ الگوهای خاص رفتار در تعاملات کودک-والد می‌پردازد. ۲) بعد بازنمایی شده یا شناختی؛ که بر اساس نظریه رشد شناختی و روان تحلیل‌گری قرار دارد و گویای آن است که کودکان از همان ابتدا می‌توانند ازنظر ذهنی نمادهای دلبستگی‌شان را تصور کنند و انگاره‌ها و انتظاراتی را در مورد خود و دیگران شکل دهند (۲۴). به این شکل که اگر مراقبت توأم با حساسیت و پاسخگویی باشد کودک از این‌که کسی نگران تأمین نیازهایش است نسبت به خود باور مثبتی شکل می‌دهد و به دیگران اعتماد می‌کند و اعتماد به دیگری مهم به سایر افراد تعمیم داده می‌شود. مدل‌های کارکرد درونی به دو دسته "مدل‌های درونی خود" و مدل‌های درونی از دیگران" تقسیم می‌شود. مدل‌های خود به طرح‌واره‌های مثبت یا منفی از خود اشاره دارد. امّا مدل‌های دیگران به طرح‌واره‌های مثبت و منفی از دیگران برمی‌گردد. این دو مدل در فرد به‌صورت مکمل و در تعامل باهم رشد می‌یابند، اما هر یک از آن‌ها می‌تواند مستقل از دیگری نیز عمل کند برای مثال فرد می‌تواند بازنمایی مثبتی از دیگران و بازنمایی منفی از خود داشته باشد (۲۵).

یکی از اصول مسلم دلبستگی، پایداری آن در طول زمان است. هرچند مدل‌های کارکرد درونی در طول زمان می‌توانند تغییر کنند، اما نوع دلبستگی در مراحل اولیه رشد تعیین‌کننده چگونگی اداره روابط بعدی می‌شوند. به همین خاطر علی‌رغم تمرکز اولیه نظریه دلبستگی بر دوران کودکی، بعدها دلبستگی بزرگسالی در قالب سه سبک ایمن، مضطرب-دوسوگرا و اجتنابی، با الهام از نظریه دلبستگی بالبی مجدداً مفهوم‌سازی شدو به روابط عاطفی معنادار در سراسر چرخه زندگی بسط یافت(۲۶).کودکان با ورود به مرحله نوجوانی شروع به شکل‌دهی روابط جدیدی می‌کنند که از آن جمله روابط حمایتی بیشتر باهمسالان است. این نوع روابط، می‌تواند به‌صورت نمادهای دلبستگی و یا منابع اطمینان جدید برای نوجوان درآیند (۲۷). همچنین در بیان تفاوت‌های جنسیتی نتایج مطالعات مختلف نشان دادند که نوجوانان دختر ضمن این‌که برای پرورش دادن، اطاعت، وابستگی عاطفی و مسئولیت توسط اجتماع، ترغیب می‌شوند نسبت به پسران دلبستگی ایمن‌تری به همسالان خود دارند، بیش از پسران به همسالان خود اعتماد کرده، نسبت به نیازهای عاطفی‌شان پاسخگو و پذیرنده می‌باشند (۲۸،۲۹،۳۱،۳۰).

عمده تحقیقات انجام‌شده درزمینهٔ نقش دلبستگی در شکل‌گیری هیجانات به نقش آن در هیجانات ناخودآگاه نظیر ترس، خشم و نفرت پرداخته‌اند (۳۳،۳۴،۳۵،۳۶،۳۷،۳۸،،۳۲،) و کمتر تحقیقاتی در خصوص رابطه دلبستگی و هیجانات خودآگاه یافت می‌شود. از سوی دیگر، پژوهش‌های انجام‌شده نیز بیش‌تر سبک‌های دلبستگی را مدنظر داشته‌اند. برای مثال افراد با سبک دلبستگی اضطرابی، احساس شرم، افسردگی و تنهایی بیشتری را تجربه می‌کنند (۳۹). همچنین شواهد تحقیقاتی دیگر نشان دادند، افراد دلبسته ایمن احساس شرم کمتری را گزارش می‌دهند (۴۰). علاوه بر این، سبک‌های دلبستگی ایمن و اجتنابی، احساس شرم را پیش‌بینی می‌کنند و اما سبک دلبستگی اجتنابی احساس گناه را پیش‌بینی می کند (۴۱).

فرض بر این است که سبک‌های دلبستگی که بعد مثبت خود را ارائه می‌دهند (ایمن و انکار) رابطه منفی با شرم دارند و سبک‌های دلبستگی که ابعاد منفی خود را ارائه می‌دهند (مجذوب و ترسو) ارتباط مثبتی با شرم دارند(۲۵،۱۳ و ۱۴).

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2025-12-11]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.4.1.9]
[DOI: 10.52547/rph.11.4.16]

ازآنجاکه مدل‌های جدید تأکید بر تمایز این دو هیجان ازلحاظ میزان شناختی، عاطفی و انگیزشی دارند (۱)، مهم‌ترین مسئله‌ای که در این پژوهش مورد تأکید بود، فراهم‌سازی شواهد تجربی در خصوص تعیین و تأیید نیم‌رخ پیش‌بینی متفاوت این دو هیجان است.

علاوه بر مسئله فوق، نگاهی به کارکردهای شرم و گناه در بستری فرهنگی متفاوت از جامعه غربی، سبب گسترش چهارچوب مفهومی و فراهم آوردن شواهد تجربی بین فرهنگی بیش‌تر در جهت تمایز این دو گونه هیجان خواهد شد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند هیجانات اخلاقی، موقعیت‌ها و واژگان و زبان بیان آن‌ها وابسته به فرهنگ است. در این راستا فراتحلیل انجام‌شده بر۱۹۰ مطالعه بین فرهنگی هیجانات،که در سال‌های ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۰ نشان از تفاوت‌های بین‌فرهنگی هیجانات داشت(۴۲). ازاین‌رو، پژوهش حاضر بر آن است تا شواهد بیشتری را در جهت تمایز این دو گونه هیجان فراهم آورد. لذا با توجه به کمبودهای موجود که در سطور فوق به آن اشاره شد، این پژوهش بر آن شد تا نقش محتوای دلبستگی را در قالب دلبستگی به والدین و همسالان، دلبستگی را به‌عنوان پیشایند هیجانات خودآگاه شرم و گناه بررسی کند. لذا سؤال اصلی پژوهش آن بود که مؤلفه‌های دلبستگی (والدین و همسالان) به چه شکل هیجانات شرم و گناه را پیش‌بینی می‌کنند؟

روش

الف)طرح پژوهش و شرکت کنندگان

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است، در قالب یک مدل طرح تحلیل مسیر، روابط علّی میان متغیرهای پژوهش موردبررسی قرار گرفت. متغیرهای پژوهش حاضر عبارت‌اند از: احساس تنهایی به‌عنوان متغیر مستقل و احساس شرم و گناه به‌عنوان متغیر وابسته. جامعه آماری موردمطالعه در این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی، در شهر شیراز، بود.

شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر، ۳۹۸ نفر از دانش آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی بودند که به شیوه‌ی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به‌این‌ترتیب که ابتدا از بین نواحی چهارگانه آموزش‌وپرورش شهر شیراز، دو ناحیه به‌طور تصادفی و از هر ناحیه دو دبیرستان دخترانه و دو دبیرستان پسرانه انتخاب گردید و در هر مدرسه یک کلاس از هر رشته تحصیلی به‌طور تصادفی برگزیده شد و کلیه دانش آموزان حاضر در کلاس مورد ارزیابی قرار گرفتند. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش حاضر از ابزارهای زیر استفاده شد.

ب)ابزار و مواد

۱. پرسش‌نامه دلبستگی به والدین وهمسالان

پرسش‌نامه دلبستگی به والدین و همسالانبه‌منظور اندازه‌گیری میزان ادراک دلبستگی به والدین یا همسالان در نوجوانان و بزرگسالان تهیه شده است، شامل ۲۴ گویه است. ۱۲ گویه ادراک دلبستگی به والدین و ۱۲ گویه ادراک دلبستگی به همسالان را می‌سنجد. ادراک دلبستگی به والدین و همسالان هرکدام شامل ۳ بعد: ارتباطات، اعتماد و بیگانگی است و هر یک از ابعاد مشتمل بر ۴ گویه می‌باشند(۴۳). هر گویه در مقیاس ۵ گزینه‌ای لایکرت از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) قرار دارد. گویه‌های ۷ و ۱۹ به‌طور معکوس و سایر گویه‌ها به‌طور مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند.

دلبستگی ایمن از کم کردن نمره بیگانگی از مجموع نمرات ارتباطات و اعتماد به هر یک از والدین و همسالان، حاصل می‌گردد:

دلبستگی ایمن = (نمره ارتباطات + نمره اعتماد) – نمره بیگانگی

کسب نمره بالا در این معادله بیانگر ادراک بیشتر دلبستگی ایمن به هر یک از والدین یا همسالان است. مؤلفان این پرسش‌نامه، ضریب بازآزمایی به فاصله سه هفته را برای دلبستگی به والدین ۰/۹۳ و برای دلبستگی به همسالان ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند. همچنین در تحقیقی دیگر بر روی نوجوانان، ثبات درونی این پرسش‌نامه را با ضریب آلفای ۰/۸۷ برای دلبستگی به مادر، ضریب آلفای ۰/۸۹ برای دلبستگی به پدر و ضریب ۰/۹۲ برای دلبستگی به همسالان بیان کرده‌اند (۴۳). بنا بر ادعای سازندگان، این ابزار از اعتبار سازه‌ای خوبی نیز

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2025-12-11]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.4.1.9]
[DOI: 10.52547/rph.11.4.16]

برخوردار است. همبستگی بین خودپنداره خانواده با بعد دلبستگی به والدین ۰/۷۸ و با دلبستگی به همسالان ۰/۲۸؛ و همبستگی بین خودپنداره اجتماعی با بعد دلبستگی به والدین ۰/۴۶ و با دلبستگی به همسالان ۰/۵۷ است. تحقیقات متعدد دیگری نیز از این پرسش‌نامه حمایت کرده‌اند (۴۴،۴۵،۴۶،۲۷،۳۵). در پژوهش حاضر به‌منظور تعیین روایی پرسش‌نامه از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. ملاک استخراج عوامل شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود که بر اساس این ملاک‌ها ۲ عامل استخراج شد. سؤالات ۴ ، ۲۱، ۲۲ ،۲۳ و ۲۴ به دلیل بار عاملی پائین از مجموع سؤالات حذف شدند. مقدار ضریبKMO برابر ۰/۸۴ و ضریب کرویت بارتلت برابر ۲۴۶/۰۳ (P< ۰/۰۰۰۱) که بیانگر کفایت نمونه‌گیری سؤالات و کفایت ماتریس همبستگی پرسش‌نامه است. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه، از ضریب پایایی آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضریب پایایی برای بعد دلبستگی به والدین ۰/۸۳ و برای بعد دلبستگی به همسالان ۰/۷۵ به دست آمد.

۲. مقیاس آمادگی شرم و گناه

این مقیاس یک ابزار ۱۶ سؤالی است که برای سنجش احساس شرم و گناه به کار می‌رود و در سال ۲۰۱۱ تدوین گردیده است (۴۷). نمره‌گذاری این مقیاس بر اساس یک شاخص ۵ درجه‌ای از نوع لیکرتی با دامنه‌ای از یک (به‌ندرت) تا ۵ (خیلی زیاد) صورت می‌گیرد. بنابراین، حداقل نمره‌ی این مقیاس ۱۶ و حداکثر آن ۸۰ است. این مقیاس شامل دو بعد کلی احساس شرم و احساس گناه است. مؤلفان این مقیاس، ضریب آلفای کرونباخ را بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۸ گزارش کرده‌اند که حاکی از همسانی درونی بالای مقیاس است. علاوه بر این، همبستگی معنی‌داری بین زیر مقیاس‌های احساس شرم و گناه با نمره کل مقیاس عزت‌نفس وجود دارد که نشان از اعتبار هم‌زمان این مقیاس دارد.

به‌منظور بررسی روایی سازه‌ی مقیاس احساس شرم و گناه از روش آماری تحلیل عوامل استفاده شد. این روش ابتدا با شیوه‌ی مؤلفه‌های اصلی صورت گرفت. مقدار ضریب KMO برابر با ۰/۹۱ بود که بیانگر کفایت نمونه‌ی آزمودنی‌ها به‌منظور انجام تحلیل عاملی است. مقدار آزمون کرویت بارتلت نیز برابر با ۷۰۱۸ بود که در سطح P<۰/۰۰۰۱ معنادار است و بیانگر معنی‌داری ماتریس همبستگی است. پس‌ازآن با توجه به مقدار ارزش ویژه (آیگن) بالاتر از یک و نیز نمودار اسکری و استفاده از روش چرخش واریماکس دو عامل به‌دست آمد که روی‌هم ۳۷/۴۵ ٪ از واریانس کل نمرات را تبیین می‌کردند.

به‌منظور تعیین پایایی مقیاس احساس شرم و گناه از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب پایایی برای بعد احساس شرم ۰/۸۳ و برای بعد احساس گناه ۰/۷۵ به‌دست آمد.

یافته ها

به‌منظور ارائه تصویری آشکار از وضعیت عملکرد مشارکت‌کنندگان در متغیرهای پژوهش، ابتدا یافته‌های توصیفی و همبستگی (مرتبه صفر) بین متغیرهای پژوهش در جدول ۳-۱ ارائه شده است.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2025-12-11]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.4.1.9]
[DOI: 10.52547/rph.11.4.16]

جدول۱. میانگین، انحراف معیار و ضریب‌های همبستگی بین متغیرهای پژوهش

	متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴
دلبستگی	۱-دلبستگی به والدین	۴۰/۶۰	۸	۱			
	۲-دلبستگی به همسالان	۲۶/۱۶	۵/۶۱	-۰/۲**	۱		
احساس شرم و گناه	۳-احساس‌شرم	۱۲/۰۴	۳/۲۰	-۰/۱۹**	-۰/۱۶**	۱	
	۴-احساس گناه	۴۷/۶۷	۸/۲۳	۰/۱۹*	۰/۱۸**	۰/۰۰	۱

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین متغیرهای مستقل و وابسته مدل رابطه معناداری وجود دارد که مجوز لازم برای انجام تحلیل‌های بعدی را فراهم می‌آورد.

به‌منظور تعیین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مؤلفه‌های دلبستگی بر احساس شرم و گناه، از روش رگرسیون هم‌زمان استفاده شد. نتایج مزبور در جدول ۳-۲ آورده شده است.

همان‌طور که در جدول ۳-۲ مشاهده می‌شود نتایج حاکی از آن است که دلبستگی به والدین (p< ۰/۰۰۱، β۰/۱۶ - =) و دلبستگی به همسالان (p< ۰/۰۱، β۰/۱۲ - =) به‌طور منفی و معنی‌دار احساس شرم را و اما دلبستگی به والدین (p< ۰/۰۰۲، β۰/۱۵ =) و همسالان (p< ۰/۰۰۳، β۰/۱۵ =) به‌طور مثبت و معنی‌دار احساس گناه را پیش‌بینی کردند.

جدول۲. نتایج رگرسیون هم‌زمان متغیر دلبستگی بر احساس شرم و گناه

متغیر پیش‌بین	احساس شرم					احساس گناه				
	R	R^2	β	t	P	R	R^2	β	t	p
دلبستگی به والدین	۰/۲۲	۰/۰۵	-۰/۱۶	-۳/۲۴	۰/۰۰۱	۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۱۵	۳/۱۲	۰/۰۰۲
دلبستگی به همسالان			-۰/۱۲	-۲/۴۷	۰/۰۱			۰/۱۵	۲/۹۹	۰/۰۰۳

نتایج بررسی نقش جنسیت در پیش‌بینی متغیر احساس شرم و گناه بر اساس متغیر دلبستگی با استفاده از روش رگرسیون هم‌زمان در جدول ۳ گزارش شده است.

همان‌گونه که مقایسه ضرایب رگرسیون در بین دختران و پسران نشان می‌دهد، دلبستگی به والدین هم در گروه پسران (p <۰/۰۵، β = ۰/۰۳) و هم در گروه دختران

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2025-12-11]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.4.1.9]
[DOI: 10.52547/rph.11.4.16]

(β =۰/۱۳ ،p <۰/۰۵) به‌طور منفی و معنی‌دار احساس شرم را پیش‌بینی می‌کنند و دلبستگی به همسالان تنها در گروه دختران (β =۰/۶،p< ۰/۰۱) به شکل مثبت و معنی‌دار احساس شرم را پیش‌بینی می‌کند، اما در گروه پسران پیش‌بین احساس شرم نبود (جدول شماره ۳). همچنین این دو متغیر پیش‌بین احساس گناه در هیچ‌یک از دو گروه جنسیتی نبود.

جدول ۳. نتایج رگرسیون هم‌زمان متغیر دلبستگی بر احساس شرم و گناه به تفکیک جنسیت

متغیر پیش‌بین	احساس شرم									
	R		R^2		β		t		P<	
	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر
دلبستگی به والدین	/۲۲	۰/۱۶	۰/۰۵	۰/۰۲	-۰/۱۳	-۰/۰۵	-۱/۹۱	-۲/۱۱	۰/۰۵	۰/۰۳
دلبستگی به همسالان					۰/۱۶	-۰/۱۲	-۲/۴۶	-۰/۴۲	۰/۰۱	N.S
متغیر پیش‌بین	احساس گناه									
	R		R^2		β		t		P<	
	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر
دلبستگی به والدین	۰/۲۳	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۱۶	۰/۰۴	۲/۳۶	۰/۵۲	۰/۰۱	N.S
دلبستگی به همسالان					۰/۱۴	۰/۰۸	۲/۰۷	۱/۰۷	۰/۰۴	N.S

بحث و نتیجه‌گیری

یافته های این پژوهش نشان می‌دهد در میان تمام شرکت‌کنندگان پژوهش، دلبستگی به والدین و همسالان پیش‌بینی‌کننده احساس شرم و گناه می‌باشند به این‌صورت که دلبستگی به والدین و همسالان به شکل منفی و معنی‌داری احساس شرم را پیش‌بینی می‌کنند و دلبستگی به والدین و همسالان پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار احساس گناه بودند. در توجیه یافته‌ها، بار دیگر ماهیت دو احساس شرم و گناه را ازنظر می‌گذرانیم. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، احساس شرم و گناه هیجاناتی منفی‌اند که حاصل فرایند اسناد درونی می‌باشند. لازمه تجربه این هیجانات، داشتن مفهومی از خود و دیگری است، چراکه این هیجانات خودآگاه اجتماعی با خودارزیابی فراخوانده می‌شوند و هر دو در فضای بین فردی تجربه می‌شوند (۴۷،۱). همچنین احساس شرم و گناه به موقعیت‌های متفاوتی مربوط نمی‌شوند بلکه حاصل تفسیرهای متفاوت از موقعیت می‌باشند (۱). چنانچه فرد، موقعیت پیش‌آمده را تهدیدی برای هسته خود، فرض کند و احساس نارضایتی از خویش به‌عنوان انسانی نالایق داشته باشد، احساس شرم درک می‌شود و اما اگر تمرکز بر پشیمانی برای رفتار نادرست باشد، احساس گناه ظاهر می‌شود (۱).

لازم به ذکر است که یافته‌های پژوهش در ابتدای امر تأییدی است بر تمایز دو هیجان شرم و گناه. به این صورت که دلبستگی که سازه‌ای مثبت است، احساس شرم را به‌صورت

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2025-12-11]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.4.1.9]
[DOI: 10.52547/rph.11.4.16]

منفی و احساس گناه را به‌صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند. در توجیه این یافته بر اساس محتوای هر دو نوع دلبستگی باید به این نکته اشاره کرد که در بعد شناختی دلبستگی، مدل‌های کارکرد درونی درنتیجه تعاملات مکرر با چهره‌های دلبستگی، بازنمایی‌های ذهنی از خود و دیگران تشکیل می‌دهند. به این شکل که کاهش دلبستگی، زمینه‌ساز بروز تصور منفی نسبت به خود می‌گردد، تصوری که فرد از خود دارد به این صورت است که خود را فردی بی‌ارزش و عاجز از تأثیرگذاری بر دیگران درک می‌کند (آنچه در احساس شرم درک می‌شود) و دیگران را نیز بی‌توجه، بی‌مسئولیت و غیرقابل‌اعتماد در قبال نیازهای خود تصور می‌کند. افراد به‌واسطه این مدل‌های منفی، یک جهت‌گیری درون فکن مبتنی بر خودارزیابی‌های منفی دارند. به‌واقع، این جهت‌گیری با ارزیابی‌های موشکافانه، غیرواقعی و انتقادی از فضائل، بزرگ‌نمایی اشتباهات و تلاش برای دستیابی به ایدئال، همراه است که به احساسات منفی مرتبط با خود همچون احساس شکست، احساس شرم و احساس بی‌ارزش بودن منجر می‌گردد. در همین راستا نقش دلبستگی در شکل‌گیری کیفیت خود-ارزیابی‌ها و ارزیابی دیگران به‌خوبی روشن می‌شود، به این معنا که، کاهش دلبستگی همراه با افزایش بازنمایی‌های منفی نسبت به خود تلاش برای دست‌یابی به ایدئال را با شکست مواجه می‌کند و اما با افزایش دلبستگی، فرد در ارزیابی اشتباهات خود کمتر بزرگ‌نمایی می‌کند و با دیدی واقع‌بینانه‌تر، در عوض قضاوت راجع به هسته خود، رفتار را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به‌واقع، همراه با افزایش دلبستگی، شکل‌گیری بازنمایی مثبت نسبت به دیگران، این نتیجه را در پی دارد که فرد دیگری را نسبت به خود نگران‌تر فرض می‌کند و از این‌که نزد والدین و همسالان فرد باارزشی است، مطمئن می‌شود، بنابراین، همراه با افزایش خود-ارزشمندی، فرد نسبت به خود واقعی رضایت داشته و فاصله‌ی زیادی بین خود واقعی و آنچه موردقبول اجتماع و دیگران مهم است، قائل نمی‌شود و از احتمال بروز احساس شرم پس از ارزیابی موقعیت‌ها کاسته می‌شود، چراکه همان‌طور که قبلاً گفته شد، احساس شرم ناشی از درک تعارض بین خود واقعی و استانداردهای جامعه (فرا خود) است (۴۸).

مقایسه ضرایب در گروه دختران و پسران در جدول ۳ نشان داد که در گروه دختران برخلاف یافته‌های مدل کلی تفاوتی مشاهده شد و آن ضریب مثبت از دلبستگی به همسالان به احساس شرم بود. پیش از توجیه احتمالی این یافته، به یافته‌هایی هماهنگ با یافته پژوهش حاضر اشاره می‌شود. در آزمون نقش جنسیت و طرحواره جنسیتی در پاسخ به شرم و گناه، پژوه ش ها نشان دادند علاوه بر نقش های جنسیتی متفاوت(از دختران انتظار بیشتری می‌رود که قواعد اخلاقی را زیر پا نگذارند)، دختران و پسران طرحواره های جنسیتی متفاوتی درباره وضعیت و موقعیت های خاص دارند(۱۱). به همین دلیل دختران کمتر از پسران دست به اعمال خلاف اخلاقی می‌زنند و در دختران احساس شرم تعیین‌گری بیشتری دارد.

گرایش به نقش‌های جنسیتی زنانه با سطوح بالایی از گرایش به شرم و گناه در ارتباط است (۱۱)، باید به این نکته اشاره کرد که در نوجوانی گروه دوستان، از اهمیت خاصی برخوردار است و در این میان، دختران بیش از پسران به همسالان خود اعتماد کرده، نسبت به نیازهای عاطفی‌شان پاسخگو و پذیرنده می‌باشند (۲۹،۳۱) و همان‌طور که قبلاً اشاره شد، دختران نسبت به پسران دلبستگی ایمن‌تری به همسالان خود دارند (۳۰). همچنین، نوجوانان دختر، برای پرورش دادن، اطاعت، وابستگی عاطفی و مسئولیت توسط اجتماع، ترغیب می‌شوند (۲۸). در توجیه یافته پژوهش می‌توان به این مطلب اشاره کرد، ازآنجایی‌که گروه همسالان در دوران نوجوانی به‌عنوان منبعی برای هویت‌یابی و خودشناسی درک می‌شوند، قضاوت گروه دوستان بی‌تردید در خود-ارزیابی‌های نوجوان تأثیر به سزایی دارد و با در نظر گرفتن این مطلب که احساس شرم نیز هیجانی وابسته به درک جایگاه فرد توسط دیگران است، یافته پژوهش حاضر دور از انتظار نیست.

در ادامه ذکر این نکته ضروری می‌نماید که موردپذیرش واقع‌شدن در جمع دوستان در نوجوانی امری مطرح تصور می‌شود، و عمده پذیرش در گروه دوستی دختران منوط به کیفیت جهت‌گیری قضاوت‌ها پیرامون ظاهر جسمانی است. برای نوجوانان دختر، داشتن ظاهری زیبا همانند شخصیت‌های معروف، یک ایدئال محسوب می‌شود و اما واقعیت، تغییرات حاصل از بلوغ است که ناراحت‌کننده است و از ایده‌آل‌شان

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2025-12-11]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.4.1.9]
[DOI: 10.52547/rph.11.4.16]

بسیار فاصله دارد. این به معنای تعارض میان خود واقعی و خود ایدئال است. به‌واقع، همراه با تغییرات فیزیکی بلوغ، خودپنداره جسمانی دچار نوسان می‌شود، خود-ارزیابی‌هایی منفی در مورد ظاهر شکل می‌گیرد، که بسیار وابسته به قضاوت گروه همسالان است، و در این میان احساسات ناخوشایندی تجربه می‌شود، که همراه با اسنادهای درونی کلی، زمینه‌ساز تجربه احساس شرم می‌گردند. ازجمله محدودیت‌های این پژوهش، آن بود که نمونه پژوهش از میان دانشجویان انتخاب شده بود؛ بنابراین بهتر است در تعمیم نتایج به سایر افراد، جانب احتیاط رعایت گردد. همچنین ازآنجاکه پرسش‌نامه‌ها خودگزارشی بودند و توسط خود دانشجویان تکمیل شدند، احتمال عدم صداقت و یا سوگیری در گزارش‌ها وجود دارد، لذا بهتر است در پژوهش‌های آتی، برای اطمینان بیشتر از صحت نتایج، از مصاحبه نیز استفاده گردد.درنهایت مسئله تطابق و تناسب فرهنگی ابزارها یکی از عمده‌ترین محدودیت‌های این پژوهش بود، که نتیجه‌گیری از قطعی‌تر از یافته‌ها را با چالش همراه می‌کند.

منابع

1. Tangney JP, Dearing RL. Shame and guilt. New York, NY. Guilford Press. Tangney, JP, Stuewig, J., & Mashek, DJ (2007). Moral emotions and moral behaviour. Annual Review of Psychology. 2002;58:345-72.

2. Davidson MN, Greenhalgh L. The role of emotion in negotiation: The impact of anger and race. Research on negotiation in organizations. 1999;7:3-26.

3. Zeelenberg M, Nelissen RM, Breugelmans SM, Pieters R. On emotion specificity in decision making: Why feeling is for doing. Judgment and Decision making. 2008;3(1):18.

4. Barrett KC. A functionalist approach to shame and guilt. 1995.

5. Tangney JPE, Fischer KW, editors. Self-conscious emotions: The psychology of shame, guilt, embarrassment, and pride. The idea for this volume grew out of 2 pivotal conferences The 1st conference, on emotion and cognition in development, was held in Winter Park, CO, Sum 1985 The 2nd conference, on shame and other self-conscious emotions, was held in Asilomar, CA, Dec 1988; 1995: New York, NY, US: Guilford Press.

6. Smetana JG, Campione-Barr N, Metzger A. Adolescent development in interpersonal and societal contexts. Annu Rev Psychol. 2006;57:255-84.

7. Zeman J, Cassano M, Perry-Parrish C, Stegall S. Emotion regulation in children and adolescents. Journal of Developmental & Behavioral Pediatrics. 2006;27(2):155-168.

8. Gavazzi IG, Ornaghi V, Antoniotti C. Children's and adolescents' narratives of guilt: Antecedents and mentalization. European Journal of Developmental Psychology. 2011;8(3):311-30.

9. Lewis M. Self-conscious emotions. Encylopedia of early childhood development, 2011, 1-5.

10. Teroni F, Deonna JA. Differentiating shame from guilt. Consciousness and cognition. 2008;17(3):725-40.

11. Benetti-McQuoid J, Bursik K. Individual differences in experiences of and responses to guilt and shame: Examining the lenses of gender and gender role. Sex roles. 2005;53(1-2):133-42.

12. Cecconello AM, Koller SH. Competência social e empatia: um estudo sobre resiliência com crianças em situação de pobreza. Estudos de psicologia (Natal) Vol 5, n 1 (jan/jun 2000), p 71-93. 2000.

13. Bowlby J. Affectional bonds: Their nature and origin. Loneliness: The experience of emotional and social isolation. 1973:38-52.

14. Lewis H. Shame and Guilt in Neurosis. New York (International Universities Press) 1971..

15. Nathanson DL, editor The many faces of shame. Partially based on a symposium held in Los Angeles, 1984 for the 137th Annual Meeting

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2025-12-11]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.4.1.9]

[DOI: 10.52547/rph.11.4.16]

16. Nathanson DL. Shame and pride: Affect, sex, and the birth of the self: WW Norton & Company; 1994.

17. Passanisi A, Sapienza I, Budello S, Giaimo F. The relationship between guilt, shame and self-efficacy beliefs in middle school students. Procedia-Social and Behavioral Sciences. 2015;197:1013-7.

18. Cornell AH, Frick PJ. The moderating effects of parenting styles in the association between behavioral inhibition and parent-reported guilt and empathy in preschool children. Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology. 2007;36(3):305-18.

19. Hejdenberg J, Andrews B. The relationship between shame and different types of anger: A theory-based investigation. Personality and Individual Differences. 2011;50(8):1278-82.

20. Hashemi SD FS, E. Asadzadeh,H. . Structural pattern of feelings of shame and guilty based on parenting styles and the role of intermediary styles of attachment. Journal of Applied Psychology. 2017;ISSN: 2008-4331.[persion].

21. Pace U, Zappulla C. Problem behaviors in adolescence: The opposite role played by insecure attachment and commitment strength. Journal of Child and Family Studies. 2011;20(6):854-62.

22. Pace U, Zappulla C. Detachment from parents, problem behaviors, and the moderating role of parental support among Italian adolescents. Journal of Family Issues. 2013;34(6):768-83.

23. Schimmenti A. Unveiling the hidden self: Developmental trauma and pathological shame. Psychodynamic Practice. 2012;18(2):195-211.

24. Barrocas AL. Adolescent attachment to parents and peers. The Emory Center for Myth and Ritual in American Life Working Paper No. 2012;50.

25. Bartholomew K, Horowitz LM. Attachment styles among young adults: a test of a four-category model. Journal of personality and social psychology. 1991;61(2):226.

26. Shaver P, Hazan C. Being lonely, falling in love. Journal of Social Behavior and Personality. 1987;2(2):105.

27. O'Koon J. Attachment to parents and peers in late adolescence and their relationship with self-image. Adolescence. 1997;32(126):471.

28. Conger JJ. Adolescence and youth: Psychological development in a changing world: Harper & Row; 1977.

29. Hunter FT, Youniss J. Changes in functions of three relations during adolescence. Developmental Psychology. 1982;18(6):806.

30. Portwood,M. Attachment and Loneliness in Adolescence , A Thesis Submited to The Faculty of Graduate Studies in Partial Fullfillment of The Requirements For The Degree of Master of Science, The University of Calgary.1993..

31. Youniss J, Smollar J. Adolescent Re-lations with Mothers Fathers and Friends. Chicago: Univ.

32. Bischof N. A systems approach toward the functional connections of attachment and fear. Child Development. 1975 Dec 1:801-17.

32. Bischof N. A systems approach toward the functional connections of attachment and fear. Child Development. 1975:801-17.

33. Calamari E, Pini M. Dissociative experiences and anger proneness in late adolescent females with different attachment styles. Adolescence. 2003;38(150):287.

34. Ghaedi Far,H. Abdokhodai M,S. Aghamohammadian Sharbafeh,H,R. The role of mediation is the feeling of psychological coherence in the relationship between attachment styles and self-regulation. Journal of Psychological Health. 2014; 7.[persion]

35. Mikulincer M. Adult attachment style and individual differences in functional versus dysfunctional experiences of anger. Journal of personality and social psychology. 1998;74(2):513-515

36. Rholes WS, Simpson JA, Oriña MM. Attachment and anger in an anxiety-provoking situation. Journal of personality and Social Psychology. 1999;76(6):940.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2025-12-11]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.4.1.9]

[DOI: 10.52547/rph.11.4.16]

37. Saidian Asl MK, M. Hasani, L. Edrisi,F. Factor structure and psychometric properties of Persian version of the attachment mode scale. Journal of Psychological Health. 2003; 6 (1): 66-78.[Persion].

38. Wei M, Russell DW, Zakalik RA. Adult attachment, social self-efficacy, self-disclosure, loneliness, and subsequent depression for freshman college students: A longitudinal study. Journal of Counseling Psychology. 2005;52(4):602.

39. Geranett,D Loneliness,shame and attachment.A Dissertation in Counseling Psychology,Peresented to the Faculty of the University of Missouri-Kansas City in Partial Fulfillment of the Requirement For the Degree.Doctor of Philosophy..1998.

40. Akbag M, Erden İmamoglu, S ,Attachment Styles on Shame, Guilt, a Loneliness Kuram ve Uygulamada Eğitim Bilimleri / Educational Sciences: Theory & Practice .2010.10 (2) . 669-682.

41. Etemad JJ, B. Rahpeyma, S. Prediction of happiness based on the feeling of shame and Guilt: the study of the role of gender moderalation, Journal of psychological studies.2016. 11/2.[Persion].

42. Armsden GC, Greenberg MT. The inventory of parent and peer attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. Journal of youth and adolescence. 1987;16(5):427-54.

43. Laible D. Attachment with parents and peers in late adolescence: Links with emotional competence and social behavior. Personality and Individual Differences. 2007;43(5):1185-97.

44. Laible DJ, Carlo G, Roesch SC. Pathways to self-esteem in late adolescence: The role of parent and peer attachment, empathy, and social behaviours. Journal of adolescence. 2004;27(6):703-16.

45. Meeus W, Oosterwegel A, Vollebergh W. Parental and peer attachment and identity development in adolescence. Journal of adolescence. 2002;25(1):93-106.

46. Rostami S, Jowkar B. The relationship between guilt and shame feelings with the dimensions of loneliness: The moderating effect of gender. International Journal of Behavioral Sciences. 2016 Jun 15;10(1):72-6. [Persian]

47. Freud S. A general selection from the works of Sigmund Freud: Anchor; 1957.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2025-12-11]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.4.1.9]

[DOI: 10.52547/rph.11.4.16]